

تبیین مبانی معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور

دکتر محسن فرمهینی فراهانی^۱

دکتر مهدی سبحانی نژاد^۲

زینب قلی زاده مقدم^۳

پژوهش به تبیین مبانی معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور درسه محور؛ مبانی معرفت شناختی نسل اول، دوم و سوم، و با روش انجام پژوهش تحلیل اسنادی پرداخته است. داده ها با استفاده از اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع در فرم گردآوری داده ها و با شیوه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. عمده ترین یافته های پژوهش عبارتند از: ۱- رویکرد و مبانی معرفت شناختی نسل اول (۱۹۰۰-۱۹۵۰) عبارتند از: رویکرد اثبات گرایی با اعتقاد به قوانین کلی یادگیری، روش های جمعی و تأکید بر اصول کارایی در طراحی راهبردهای آموزشی و... ۲ - نسل دوم (۱۹۶۰-۱۹۸۰): رویکرد تعبیری یا تفسیری و باورهای معرفت شناختی از قبیل؛ روشن ساختن زبان کاربردی در موقعیت های آموزشی با ابهام زدایی از اصطلاحات تخصصی، توجه به عوامل مهم (تاریخی، محیطی و شخصی) در رمز گذاری و رمزگشایی و... ۳ - نسل سوم (از ۱۹۹۰ تاکنون): رویکرد معرفت شناسی انتقادی و باورهای ایجاد «فضاهای دموکراتیک» در مدارس، تأکید و ترغیب گوناگونی فرهنگی، بی طرفی نهادهای آموزشی.

واژه های کلیدی: معرفت شناسی، آموزش باز، آموزش از راه دور، رویکرد، اثبات گرایی، تفسیری، انتقادی، آموزش مجازی

^۱ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران. farmahinifar@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران

^۳ عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور رزن

مقدمه

آموزش از راه دور را می‌توان به عنوان «هرگونه فرآیند آموزشی رسمی که بین معلم و شاگرد در فاصله زمانی یا مکانی اتفاق می‌افتد» تعریف کرد (داوی، ۱۹۹۹، ص ۴۴-۴۵). در باب محاسن آن می‌توان گفت مدل آموزش از راه دور راه‌های زیادی برای حمایت از فراگیران فراهم می‌کند. از امکانات آموزش از راه دور می‌توان به انعطاف پذیری زمانی و مکانی در امر یادگیری، توجه به ویژگی‌های متفاوت شخصیتی افراد، گوش دادن فعال، ایجاد امکان کار به طور مستقل در غیاب معلم و اشاره نمود (شری، ۱۹۹۶). به طور کلی از نظر تاریخی پیشرو مبنای تکنولوژیکی آموزش از راه دور را می‌توان مراسلات (ارتباطات) آموزشی دانست که شروع آن به اروپا و ایالات متحده در میانه قرن ۱۹ بازمی‌گردد (روت دامونت، ۲۰۰۲). اگر بخواهیم در مورد سوابق تاریخی موضوع بحث نماییم، می‌توان به طور موجز برای تحولات آموزش و پرورش مراحل را ذکر کرد که در این صورت اولین مرحله و منشاء نظام معاصر آموزش و پرورش رسمی را باید در دهه‌های پیش از انقلاب صنعتی جستجو کرد، چنانکه احتیاج به نیروی انسانی در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ موجب گسترش آموزش و پرورش ابتدایی شده است. در دومین مرحله از تحول آموزش و پرورش که میان دو جنگ جهانی قرار داشت شاهد دگرگونی‌های اجتماعی و تکنولوژیکی چشمگیر و گسترش آموزش متوسطه هستیم. و از سال‌های ۱۹۵۰ مرحله سوم شروع می‌شود. این مرحله عصر انقلاب علمی و فنی و رونق سریع اقتصادی و آزادی مستعمرات است (امیری، ۱۳۶۹).

با پیدایش مفهوم جدید رشد در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ سیاست‌های آموزش و پرورش نیز مورد تردید و سؤال قرار گرفت. این تردید تقاضای اجتماعی آموزش و پرورش را شدیدتر ساخت و از اینجا این ضرورت مطرح می‌گردد که برای هر فرد سطحی از آموزش و پرورش تأمین شود. این مسأله توجه دست اندرکاران آموزشی را در پایان سال‌های ۱۹۶۰ نسبت به فنون و وسایل جدید آموزشی نظیر تلویزیون آموزشی و آموزش برنامه‌ای جلب نمود (امیری، ۱۳۶۹).

پس از آن در طول سال‌های ۱۹۷۰ و اوائل ۱۹۸۰ بیشتر پژوهشگران به تأثیرات کامپیوتر توجه داشتند و (حدود ۱۹۹۰) همه نگاهها به سوی سیستم‌های ارتباطات از راه دور منتقل شد)

حسینی، ۱۳۸۴). در چنین شرایطی بود که توجه به معرفت‌شناسی که گنجینه اصلی‌گزینه‌های گزینش روش‌های تدریس و تعلیم و شناسایی، تفکیک و پی‌بردن به چگونگی عمل و نحوه تأثیرات و موارد خاص کاربرد انواع آنهاست (نلر، ترجمه بازرگان، ۱۳۸۰، ص ۷) به عنوان عاملی تأثیرگذار بر مؤلفه‌های مهم این نظام (فراگیر، معلم بر نامه درسی، رابدهای یاددهی - یادگیری و رسانه) همچون سایر نظام‌های آموزشی معطوف گردید و همین متفاوت بودن رویکردهای معرفت‌شناسی طی عمر ۱۵۰ ساله نظام آموزش از راه دور بود که دانش پژوهان و محققان آموزش از راه دور را (کاوشی پیرامون... بی‌نام، بی‌تا)، همانند دیگر رشته‌ها به ایجاد الگوهای مفهومی و دسته‌بندی‌هایی برای فهم بهتر دنیایی که در آن زندگی کرده ایم و آن را ایجاد نموده‌ایم، سوق داد. دسته‌بندی فن‌آوری‌های آموزش از راه دور نیز بر همین اساس در غالب نسل‌های مختلف، که مبنای آن ابزارهای فناورانه و پشتیبانی‌کننده از هر یک از این نسل‌هاست، مرسوم بوده است (گریسون، ۱۹۸۵؛ نیپر، ۱۹۸۹؛ حسینی، ۱۳۸۴).

بر اساس نحوه بهره‌گیری مؤسسات آموزشی باز و از راه دور از فناوری‌های ارتباطی، رویکرد فلسفی و روان‌شناسی مؤثر و دیدگاه‌های معرفت‌شناختی آنان، نظام آموزش از راه دور را می‌توان در قالب سه نسل تقسیم‌بندی نمود که عبارتند از:

نسل اول (۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰): نسل آموزش مکاتبه‌ای و برنامه‌ای (دوره تسلط رویکرد فلسفی اثبات‌گرایی و رویکرد روان‌شناسی رفتارگرایی) (فردانش، ۱۳۸۴).

نسل دوم (۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰): نسل کاربرد رسانه‌های همچون رادیو و تلویزیون و نیز توجه به رایانه در امر آموزش و یادگیری (عطاران، ۱۳۸۳)، (دوره تسلط رویکرد فلسفی تفسیری و رویکرد روان‌شناسی شناخت‌گرایی) (فردانش، ۱۳۸۴).

نسل سوم (۱۹۹۰ تا کنون): همزمان با گسترش "شبکه گستره جهانی" در سال‌های نخستین دهه‌ی (حسینی، ۱۳۸۴)، (دوره تسلط رویکرد فلسفی انتقادی و رویکرد روان‌شناسی ساخت‌گرایی) (فردانش، ۱۳۸۴).

پژوهش‌های انجام شده در حیطه نظام آموزش از راه دور نشان داد که تحقیقات بسیار زیادی در سطح کشور در زمینه موضوعات مرتبط با آموزش از راه دور انجام شده است، لیکن بر اساس بررسی‌های مقدماتی تنها یک تحقیق به طور مستقیم در خصوص تبیین مبانی معرفت‌شناختی آموزش از راه دور در با عنوان «کاوشی پیرامون دیدگاه‌های معرفت‌شناسی نسبت به

راهبردهای یاددهی-یادگیری در نظام آموزش بازو از راه دور» انجام گرفته است. اما خوشبختانه در خارج از کشور تا حدودی به مبانی فلسفی خاصه مبانی معرفت شناختی آموزش از راه دور پرداخته شده که می‌تواند نقطه عطفی در عملکرد اصولی در زمینه آموزش از راه دور باشد و راهگشایی برای تحقیقات و بررسی‌های داخلی.

در یک مرز بندی کلی می‌توان چهار حیطه اصلی در زمینه تحقیقات آموزش از راه دور

تعیین نمود:

الف- مقایسه عملکرد فراگیران دو نظام آموزشی سنتی و از راه دور مانند:

تحقیق آقای فراهانی (۱۳۸۰) با عنوان «مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان تربیت بدنی در نظام حضوری و راه دور در ایران» و ساکی (۱۳۷۷)، «بررسی اثر بخشی آموزشهای کوتاه مدت ضمن خدمت به صورت حضوری، نیمه حضوری و غیر حضوری».

ب- تحقیقاتی در زمینه امکان استفاده از نظام آموزش از راه دور در برخی از زمینه‌ها و

موضوعات یادگیری مانند: تحقیق حسن زاده (۱۳۸۱) «بررسی مکان سنجی آموزش از راه دور کتابداری و اطلاع رسانی از طریق اینترنت در ایران در قالب سه مؤلفه امکانات و تجهیزات گروهها، سابقه و مهارت اساتید و بر نامه های آتی گروهها»، ری (۲۰۰۶) «بررسی آینده آموزش از راه دور»

ج- مطالعاتی در حوزه نحوه نگرش و یا فاکتورهای مؤثر در پذیرش و کاربرد اینترنت در

آموزش مانند: تحقیق چیدری (۱۳۸۱) «فعالیت‌های آموزش از راه دور و اعضاء هیئت علمی در ایران»، کلینجر (۲۰۰۳) «ارتباط بین سبک‌های یادگیری یادگیرندگان بزرگسالی که در دوره های آنلاین دانشگاه (PACE) ثبت نام نموده اند و موفقیت و رضایت از این یادگیری در شهر نیویورک» و یانگ (۲۰۰۳) «میزان اطمینان از کیفیت یادگیری وب محور در مؤسسه های آموزش از راه دور»

د- نیز تحقیقاتی در زمینه استانداردهای لازم و مکفی در نظام یادگیری باز و از راه دور

همچون:

یازرنیا و همکاران (۲۰۰۲) «پرورش استانداردهای آموزش با استفاده از راههای آموزش و

پرورش» و بلنگر (۲۰۰۱) «یادگیری با استفاده از فن آوری اطلاعات»

و نیز مطالعاتی در خصوص مبانی معرفت شناسی آموزش از راه دور نظیر:

مطالعات راگازا «معرفت‌شناسی فراشناختی-یک توانایی ضروری برای آموزندگان آنلاین» و فین هالس (۲۰۰۵) «همکاری برای ایجاد ظرفیتها از طریق ICT، بر نامه های آموزش از راه دور: تحقیقی برای پیوستگی معرفت‌شناسانه بین طراحی و عملکرد آنها».

تحقیقات حیطة اول تحقیقاتی مقایسه‌ای (بین دو نظام) هستند که در واقع در پی دلایلی برای اثبات و یا انکار برتری یکی از دو نظام بر دیگری می‌باشد و در این نوع تحقیقات به نتایج مثبت و منفی هر دو نظام اشاره خواهد شد. با توجه به محوریت این نوع تحقیقات ملاحظه می‌شود که این گروه شباهت چندانی با موضوع تحقیق حاضر ندارند.

تحقیقاتی که در گروه دوم، سوم و چهارم از تحقیقات در زمینه آموزش از راه دور جای می‌گیرند، گستره استفاده از این نوع نظام، عوامل مؤثر در رد یا پذیرش و یا استانداردهای مؤثر در بکارگیری این نوع آموزش با کیفیت بالا را مورد بررسی قرار می‌دهند.

بنابر این از بین چهار گروه ذکر شده، گروه دوم، سوم و چهارم به تحقیق حاضر نزدیکی بیشتری داشته چرا که هر سه گروه از این تحقیقات عوامل مؤثر و کمک دهنده‌ای را در زمینه توسعه حیطة کاربردی، بهبود دیدگاه و ارتقاء کیفیت آشکار می‌سازند که در واقع هر کدام از این عوامل نیز خود به دیدگاه و رویکرد معرفت‌شناختی خاصی مرتبط هستند و از آن سر چشمه گرفته‌اند. اما در مورد آخرین گروه از تحقیقات می‌توان گفت که با موضوع تحقیق حاضر همخوانی بالایی دارند، با این تفاوت که به بررسی مبانی معرفت‌شناختی بطور کلی و نه در قالب نسلهای مختلف نظام پرداخته‌اند.

آموزش از راه دور تا مدت‌ها پس از آغاز فعالیت رسمی خود که به اواسط سده نوزده میلادی بر می‌گردد بدون تکیه بر یک تئوری مدون و مبتنی بر ویژگیهای آموزش از راه دور، با استفاده از رسانه‌های مختلف که حاصل پیشرفتهای سریع و روز افزون تکنولوژی ارتباطات بود، همچنين با استفاده از راههای متعددی که در زمینه انتقال پیام کشف و در اختیار نظام آموزش از راه دور قرار می‌گرفت، به هزاران هزار مشتاق ورود به آموزش عالی و در بر خی از کشورها در سطوح پایین تر که به لحاظ محدودیت توسعه و گسترش نظام آموزش سنتی یا به هر دلیل دیگر از دستیابی به آن محروم بودند، فرصتهای مناسب تحصیلی فراهم کرده و آنها را با آرمانها و آرزوهای خود قرین ساخته است. البته این سخن، بدان معنی نیست که سیستم یاد شده از هیچ قالب و چارچوب علمی استفاده

نکرده و بر قاعده و اصولی استوار نبوده است. چون اگر چنین می‌بود نمی‌توانست در کنار بی‌قاعدگیها به موفقیت‌های آنچنان عظیم در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت نائل آید و بخش مهمی از وظیفه تربیت و بازآموزی نیروهای متخصص را بر عهده داشته باشد یا بیشترین خدمات آموزشی را بویژه در سطح دانشگاه به جوامع ارائه دهد. البته یادآوری این نکته لازم است که عدم تکیه نظام آموزش از راه دور بر تئوری مبتنی بر ویژگیهای خاص آن هیچگونه مانع و رادعی را بر سرراه پیشرفت آن به دلایلی که در زیر به آنها اشاره می‌شود بوجود نیاورده است:

الف. رسانه‌های مورد استفاده در نظام با توجه به طبیعت آنها واجد قابلیت‌های لازم بودند و ارائه‌دهندگان برنامه‌های آموزشی و بهره‌مندان از آنها ناتوانی آنها را در رساندن پیامهای آموزشی احساس نکرده و خود را با مشکل آموزش که ناشی از طبیعت رسانه باشد، مواجه ندیده‌اند.

ب. برخی نا‌رسانیهایی نظام آموزش سنتی که مولود طبیعت آن است در این شیوه از آموزش که باز به طبیعت آن بر می‌گردد، از بین رفته و زمینه را بر مقبولیت آموزش از راه دور فراهم ساخته است (بری فر، ۱۳۷۱). در کنار این واقعیتها که پرداختن به تئوری را لاقلاً برای مدتی از اذهان دست اندرکاران آن دور نگه می‌داشت، عوامل دیگری نیز وجود داشتند که تأخیر در آن را سبب می‌شدند. در میان این عوامل ویژگیهای خاص جامعه انگلیس و اعتقادات سنت‌گرای آنان که مبتکر این شیوه از آموزش در جهان بودند و نیز نظرات دست‌اندرکاران اولیه آن که علاوه بر سنت‌گرایی خود، کسب تجارب لازم و شناسایی دقیق عناصر تئوری را برای برپایی آن ضروری می‌دانستند، از عوامل عمده تأخیر به حساب آمده است. در حقیقت می‌توان گفت که نظام آموزش از راه دور پس از گذشتن از صافیهای زیاد و درک واقعیت‌های نهفته در آن به تئوری مدون و تجربه‌شده‌ای دست یافته است.

علی‌رغم تواناییهای ملموس نظام آموزش از راه دور، این نظام در تمام جوامعی که مطرح شده از طرف سنت‌گرایان مورد انتقاد قرار گرفته است و هنوز هم از نظر خیلی‌ها در پرده ابهام قرار دارد. از آنجا که منتقدان نظام آموزش از راه دور آن را فاقد بنیانهای علمی می‌دانستند، لازم می‌آمد که معتقدان نظام برای توجیه مبانی علمی «آموزش باز» که بر قابلیت‌های علمی ابزار آموزشی منتخب استوار بود، به تدوین یک نظام نظری مبادرت کنند. بنابر این پس از گذشتن از یک مرحله تجربی پر بار به تدوین و تبیین مبانی نظری خود پرداختند و اصول کلی یا چابوب سیستمی آن را بر شمردند.

نکته‌یی که لازم است در اینجا بعنوان یک تذکر بدان اشاره شود، این است که در ساختن تئوری مورد نظر مواد و مصالحی که متفاوت از عناصر اصلی فرآیند آموزش باشد، بکار نرفته و قالب جدید با استفاده از عناصر فرآیند آموزش به مفهوم عام آن بوجود آمده است. به این معنی که نظام آموزش از راه دور و ساختار ویژه آن با مدخلیت اصول حاکم بر نظام آموزش سنتی شکل یافته و ضمن حفظ بنیان‌های فرآیند آموزش از عناصر تازه‌ای نیز در شکل دادن به ترکیب مورد نظر استفاده شده است (همان منبع). با توجه به مطالب فوق، تدوین تئوری مورد اشاره، لاجرم با تکیه بر سه محور؛ «مبانی فلسفی آموزش و اصول سیاست‌گذارانه‌های آن»، «تئوری ارتباطات با تأکید بر مسأله دیالوگ یا پرسش و پاسخ» و «تئوری پخش و روشهای اجرایی» مدون خواهد شد.

با توجه به آنچه ذکر شد نظام آموزشی مورد جستجو باید با قابلیت گسترشی خود جوابگوی نیازهای آموزشی باشد که اگر آموزش از راه دور بتواند به مشکلات گسترشی آن و تأمین شرایط گفت و شنود یا پرسش و پاسخ و اجرای برنامه‌های آموزشی مبتنی بر اهداف از پیش تعیین شده فائق آید، قادر خواهد شد بعنوان یک نظام مبتنی بر پایه‌های علمی شناخته شده و مبانی نظری خود را عرضه نماید (همان منبع) که این مهم مسلماً با تکیه بر مبانی فلسفی خاصه مبانی معرفت‌شناختی در نظام آموزشی هر جامعه بدست خواهد آمد.

بنابر این و با عنایت به مباحث فوق، مسئله اساسی پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل مبانی معرفت‌شناختی سه نسل نظام آموزش از راه دور است تا بدین وسیله نقاط توجه و قوت این نظام در سه نسل مذکور از منظر مبانی معرفت‌شناختی آنها مشخص شود. بر این اساس سه سوال پژوهشی ذیل طرح و مورد بررسی واقع شده است:

- ۱- مبانی معرفت‌شناختی رویکرد غالب در نسل اول آموزش از راه دور کدام است؟
- ۲- مبانی معرفت‌شناختی رویکرد غالب در نسل دوم آموزش از راه دور کدام است؟
- ۳- مبانی معرفت‌شناختی رویکرد غالب در نسل سوم آموزش از راه دور کدام است؟

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی و از نوع تحلیل اسنادی می باشد با توجه به موضوع تحقیق حاضر، ضمن مراجعه به منابع مختلف اعم از فارسی و لاتین و گردآوری مطالب و اطلاعات مورد نظر از طریق مطالعه آثار، کتب و پیشینه و پژوهش های انجام شده، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و برقراری ارتباط بین آنها به بحث و نتیجه گیری پیرامون سؤال تحقیق پرداخته شده است.

یافته های پژوهش

۱- بررسی سؤال اول پژوهش

اولین سوال پژوهش عبارت بود از اینکه «رویکرد معرفت شناختی غالب در نسل اول آموزش از راه دور کدام است؟».

در ابتدا اشاره می کنیم به اینکه اگر بخواهیم این سه دوره را با رویکرد معرفت شناختی و روان شناسی غالب در هر دوره معرفی کنیم شاید طبقه بندی سلز ۱ مطابق جدول زیر گویا باشد .
جدول ۳-۱. دوره های تحول رشته تکنولوژی آموزشی (منبع: سلز(۱۹۹۷)، صص. ۲۱-۱۲)

دوره سوم ۱۹۹۰- حال	دوره دوم ۱۹۶۰- ۱۹۸۰	دوره اول ۹۰۰- ۱۹۵۰	
انتقادی (Critical)	تعبیری (Interpretative)	اثبات گرایی (Positivism)	رویکرد معرفت شناسی
ساخت گرایی، پسامدرن (Constructivism) (postmodern)	شناخت گرایی (Cognitivism)	رفتارگرایی (Behaviorism)	رویکرد روان شناسی

و اما دوره اول، دوره تکنولوژی ابزاری است^۱ که در این دوره، رسانه‌ها، ابزاری برای غنی کردن دوره‌های آموزشهای سنتی‌اند. در حقیقت سده بیستم سده رشد سریع علوم، بویژه علوم تجربی و پیامدهای فنی آن یا فناوری است و آثار آن به صورت اکتشافات و اختراعاتی نظیر کشف نیروی اتم و شکافتن آن (۱۹۲۴)، اختراع هواپیمای جت (۱۹۳۰)، تلویزیون (۱۹۳۰) و نظایر آن در نیمه دوم قرن و کشف لیزر (۱۹۵۷)، سفر به فضا (۱۹۵۷) و ابداع رایانه و اینترنت (از ۱۹۴۳ به بعد) است. این پیشرفت‌ها که به برخی از آنها اشاره شد و بیشتر در غرب و به دست غربیان صورت گرفته اگر بیشتر نباشد، به اندازه همه پیشرفت‌های علمی و فنی است که عالم بشری طی قرن‌ها به آن نائل شده است (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱). در این دوران در قلمرو آموزش و پرورش نیز گرایشهای نیرومندی بسوی نو آوری مشاهده می‌شد. این امر در آموزشهای عالی، علوم تجربی و مهندسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و آنها به تدریج به صورت کانونهای اصلی پژوهش و نوآوری جلوه گر شدند. به طوریکه این پیشرفت‌ها در اندیشه تربیتی و تکوین و گسترش نظام‌های آموزشی نیز مؤثر افتاده است (کاوشی پیرامون ...، بی‌نام، بی تا).

صنعتی شدن کشورها و نیاز روز افزون آنها به نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده باعث شد به آموزش بزرگسالان بیشتر توجه شود و برنامه‌های بسیار گسترده ترویج کشاورزی در دانشگاهها فعالیت آموزش بزرگسالان در این قبیل کشورها را رونق بخشید. با وقوع جنگ‌ها، ضرورت آموزشهای نظامی مطرح شده و با توسعه فناوری نظامی و تحولات اساسی آن، دوره‌های کارآموزی و بازآموزی در زمینه آموزش نظامی در اختیار مردم قرار گرفت. در چنین شرایطی و با توجه به این امر که علم پوزیتیویستی معرف رواج مدرنیسم گردیده بود، بدون تردید می‌توان گفت که در ابتدای قرن بیستم رویکرد معرفت شناسی غالب خصوصا در حیطه مسائل آموزشی رویکرد اثبات‌گرایی بود که مبانی معرفت شناختی آن در پاگیری مرحله نخستین نظام آموزش مکاتبه‌ای و برنامه‌ای بسیار دخیل بوده است. حقیقت این است که نیاز به وجود ارتباط چهره به چهره بین معلم و شاگرد، کلاس درس، کتابخانه و تجهیزات آزمایشگاهی در نظام آموزش سنتی عواملی هستند که توسعه آموزش را محدود می‌سازند. به همین دلیل این ضرورت احساس شد تا در جستجو، آزمایش و به کارگیری شیوه‌های جدیدی باشیم که موجب افزایش کارایی و همزمان کاهش هزینه‌های آموزشی شوند که در راه نیل

^۱. tools' technology

به این اهداف «آموزش باز و از راه دور» راه حل امید بخشی در زمینه مشکلات جوامع مختلف بود(همان منبع).

ونکته دیگری که می‌توان آن را از ویژگیهای مهم نظام آموزش از راه دور دانست، توجه و اهمیت دادن به استقلال فراگیر است (مور، وردین و کلارک) که همان طور که قبلا هم اشاره شد این مهم در بین رفتارگرایان (مخصوصا برای اسکینر) بحثهای زیادی را برانگیخته بود و توجه به همین مسأله بود که بنای آموزش بر نامه‌ای و ماشین آموزشی و به تبع آن یادگیری انفرادی را نهاد. در حقیقت یکی از ارکان نظام آموزش از راه دور را می‌توان توجه به ظرفیتهای فردی فراگیران و تنظیم سرعت یادگیری با توانایی‌های تک تک آنها نام برد، آنچه که در کلاس‌های درس سنتی رعایت نمی‌شود و نادیده گرفته می‌شود و این توجه به تفاوت در تواناییهای شخصی و عمومی همان است که از سوی وردین و کلارک با عنوان مفاهیم توانش تخصصی و عمومی مطرح شده است. اما مسأله ای که در آموزش‌های برنامه‌ای و یا ماشین آموزشی مطرح است جزء جزء کردن محتوا و تعیین گام‌های آموزشی کاملا برنامه‌ریزی شده و از قبل تعیین شده می باشد که این تجزیه محتوا به اجزای بسیار کوچک رفتاری و عینی مخصوصا در آغاز آموزش به دلیل همان باور رفتارگرایان به این اصل است که باید مخصوصا در آغاز یادگیری فراگیر با سرعت پاسخ یا واکنش مثبت یا منفی مناسب را در یافت کند و اینکه حتما پاسخ باید در تمام مراحل حتی مراحل نهایی یادگیری جنبه بیرونی و عینی داشته باشد. همین اعتقاد به ارائه پاسخ فوری و درست باعث شد که آنها آموزش برنامه‌ای مخصوصا در ارائه به روش ماشین آموزشی را تدارک ببینند و به آن توجه زیادی نشان دهند.

به طور خلاصه باید گفت در ابتدای قرن بیستم رویکرد معرفت شناسی اثبات‌گرایی تقریبا بر روند ایجاد و رشد تمام رشته‌های علمی حکمفرما بود و رشته تکنولوژی آموزشی که در آن زمان تنها با عنوان «سمعی و بصری» شناخته می شد از این قاعده مستثنا نبود. این رویکرد بر وجود دانش مستقل از ذهن شاگرد تأکید می کرد و بر این اساس وظیفه آموزش را انتقال این دانش به ذهن شاگرد می دانست و ارزشیابی نیز بر قضاوت درباره میزان دقت این کسب دانش مبتنی بود. این رویکرد عینیت گرا به وجود برداشتهای مختلف از آموزش در افراد اذعان داشت ولی هدف آموزش را دستیابی به برداشت صحیح یا همان برداشت معلم می‌دانست. رویکرد روان شناسی مؤثر در این نسل رویکرد رفتارگرایی بود (فردانش، ۱۳۸۴).

ویژگیهای رویکرد اثبات‌گرایی و مدرنیسم در جدول زیر خلاصه شده است.

نمودار ۱. ویژگیهای رویکرد اثبات‌گرایی و مدرنیسم

۲- بررسی سؤال دوم پژوهش

دومین سوال پژوهش عبارت بود از اینکه « رویکرد معرفت شناختی غالب در نسل

دوم آموزش از راه دور کدام است؟ ».

در ارتباط با سؤال دوم باید گفت رویکرد مؤثر در حیطه زمانی مربوط به نسل دوم نظام آموزش از راه دور که در حوزه تفکر و عمل نظامهای و رویکردهای مختلف زندگی من جمله نظام آموزشی و رویکرد روان‌شناسی این دوران تأثیرات زیادی بجا نهاد و در نهایت منجر به شکل‌گیری نسل دوم نظام آموزش از راه دور گشت رویکرد معرفت شناختی تعبیری یا تفسیری (هرمنوتیک) می‌باشد.

درحقیقت آنچه به شکل‌گیری این پارادایم کمک نمود اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان به وجود شکاف بین جامعه‌شناسی آموزش و پرورش سنتی و نوین و تحقیقاتی بود که در خلال اواخر ۱۹۵۰ و اوایل ۱۹۶۰ در این زمینه صورت گرفت و در نهایت مقالات ارائه شده به کنفرانس انجمن جامعه‌شناسی انگلستان در سال ۱۹۷۰، منادی پیدایش این رهیافت جدید تفسیری بودند که در حوزه آموزش و پرورش این به معنای مطالعه فرآیند تعامل در کلاس درس، استفاده از شناخت، محتوای آموزش، فضای کلاس و نظایر آن است (شارع پور، ۱۳۸۳).

به طور کلی رویکرد معرفت‌شناسی تعبیری به عنوان یک فلسفه معتقد به اصالت انسان و ادراک او است و بیشتر بر تحلیل‌های کیفی و بر محور تحلیل‌های زبانی تأکید دارد؛ این تأکید در مقایسه با تأکید اثبات‌گرایی بر پدیده‌های مشاهده‌پذیر در تقابل قرار می‌گیرد. تعبیر‌گرایان هدف علم را درک یا فهم می‌دانند و نه تبیین، گرچه تبیین نیز می‌تواند در فرایند تفسیر و تعبیر مفید واقع شود. به هر حال رویکرد تعبیری هیچ‌گاه به صورت رویکرد غالب در رشته تکنولوژی آموزشی مطرح نبوده است. ولی ظهور و گسترش این رویکرد فلسفی و معرفت‌شناسی، سؤالهای زیادی در زمینه پدیده‌ای غیر قابل مشاهده در تحقیقات تربیتی فراهم کرد و نیز منشاء رشد و نمو مکتب روانشناسی

شناخت‌گرایی شد که بطور کلی تأثیر همه این عوامل را می‌توان در شکل‌گیری دومین نسل نظام آموزش از راه دور مشاهده نمود (فردانش، ۱۳۸۴).

به طور خلاصه باید گفت: آنچه که در نسل دوم نظام آموزش از راه دور بر آن تأکید شد و تعبیرگرایان و روان‌شناسان شناختی بر آن دست نهادند، چگونگی و کیفیت روابط و تبادلات آموزشی بود و اینکه این تبادلات باید بر مبنای فهم و درک مطالب در جریان ارتباطات باشد. آنها همانند نظریه پردازان نظام آموزش از راه دور به این نکته واقف بودند که هنگامی که فراگیر و معلم از لحاظ زمانی و مکانی در دو موقعیت متفاوت قرار دارند باید از فناوری به نحو احسن برای پر کردن این فاصله و حمایت از فراگیر کمک گرفت، در چنین شرایطی است که دیگر فناوری و تکنولوژی آموزشی نقش کلیدی خود را به عنوان وسایل کمک آموزشی که بدون آن هم در شیوه سنتی آموزش در جریان خواهد بود از دست می‌دهد و به عنوان محور اصلی آموزش مطرح می‌گردد. به همین دلیل نظریه پردازان فناوری و آموزش از راه دور را طوری به هم وابسته می‌دانند که به هیچ رو نمی‌توان آنها را از هم جدا نمود.

با این تعاریف می‌توان نظام آموزش از راه دور را واقعا حاصل و پیامد جامعه صنعتی دانست، چرا که صنعتی شدن پدیده‌ای است که تمام جنبه‌های زندگی انسان را به طور بنیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر چه متاسفانه مقایسه نظام آموزشی در جوامع صنعتی با سایر جنبه‌های زندگی نشان‌دهنده عدم تحول مناسب این بعد حیاتی زندگی است، چرا که در بسیاری از کشورها حتی صنعتی شده، هنوز ترس از استفاده از فناوری‌های پیش رفته در نظام آموزشی به چشم می‌خورد. با این همه اصولی را که نظام آموزش از راه دور را می‌توان با آن از نظام آموزشی سنتی جدا نمود و نظام آموزش از راه دور بر پایه آنها بنا شده می‌توان برگرفته از اصول صنعتی دانست. اصولی همچون برنامه‌ریزی، عقلانیت، تقسیم کار، ماشینی و خودکار شدن امور و ... از همه مهمتر پیدا کردن سیستمی همچون کامپیوتر برای ساده سازی و فهم فرآیندهای شناختی و پیچیده ذهنی انسان. با این همه این نظامی بود که بر این مبنای بنا شده بود که به فراگیران استقلال و آزادی کامل در امر یادگیری را هدیه کند تا هر کسی بتواند بر اساس کمیت و کیفیت فرآیندهای شناختی‌اش به امر یادگیری اشتغال یابد. اصولی که در بالا به آنها اشاره شد، در واقع در مباحث محتوایی تکنولوژی آموزشی در دوره دوم خود رادر قالب هدفهای آموزشی و ارزشی نشان دادند .

به هر صورت از آنجا که پارادایم تفسیری بر عوامل اجتماعی مؤثر بر فرآیند تولید و کنترل شناخت تأکید دارد، لذا فقط به مشکلات مربوط به برقراری تفاهم و ارتباط که تنها شامل دسته بندیهای پیامهایی که توسط رسانه‌های گوناگون فرستاده می‌شوند نمی‌پردازد، بلکه شامل رمز گشایی و تفکیک نمودن تصویر از واقعیت نیز می‌شود. پارادایم تفسیری در صورتی که با دیدی همه جانبه و نه در چارچوبی تنگ نظرانه به ایفای نقش خود پردازد، قادر به خنثی سازی تبلیغاتی که در جامعه توده‌وار سعی دارند تا بر عقاید و تصمیمات مردم تأثیر گذارند، بوده و از طرف دیگر می‌تواند به بررسی محتوای شعارهای فراوانی که جامعه را نیز در بر گرفته‌اند پردازد. رویکرد تفسیری می‌تواند با روشن ساختن زبانی که در موقعیتهای آموزشی و یادگیری به کار می‌رود خدمتی را انجام داده و در این رهگذر با ابهام زدایی از اصطلاحات تخصصی که غالباً نوشته‌های تربیتی و سایر علوم اجتماعی را مختل می‌سازد به مطالعه محیطهای یادگیری، تعامل بین معلم و فراگیر و زبان مورد استفاده در کلاس درس پردازد که رویکرد روان‌شناسی هماهنگ در این زمینه را می‌توان رویکرد شناخت‌گرایی نامید (کاوشی پیرامون ...، بی‌نام، بی‌تا).

۳- بررسی سؤال سوم پژوهش

سومین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه « رویکرد معرفت‌شناختی نسل سوم

نظام آموزش از راه دور کدام است؟ ».

در ارتباط با سؤال سوم که مربوط به رویکرد معرفت‌شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور می‌باشد باید گفت شرایطی که نسل سوم نظام آموزش از راه دور در آن شکل گرفت شرایط تسلط و غلبه رویکرد معرفت‌شناختی انتقادی در جنبه‌های مختلف نظام فکری و فرهنگی بود. رویکردی که با دیدی انتقادی همه جوانب زندگی بشر پیشرفت را بررسی و تجزیه و تحلیل نموده و در پی افکندن طرحی نو، آرمانی و مطلوب برای زندگی بشر امروز می‌باشد. در واقع رویکرد انتقادی به زعم طرفدارانش به دنبال پر کردن فاصله بین رویکرد اثبات‌گرایی و رقیب آن یعنی رویکرد تعبیری است و از رویکرد اثبات‌گرایی برای آنکه آن را تحویل‌گرایی می‌نامند و از رویکرد تعبیری برای آنکه نسبی‌گرایی ضمنی مستتر در دیدگاه معرفت‌شناسی است انتقاد کردند و اینچنین بود که زمینه برای رشد رویکرد انتقادی فراهم آمد. این رویکرد با جهت‌گیری‌های سیاسی خود به سلطه علم،

تکنولوژی و دیوانسالاری که از شاخه های سرمایه داری است معترض و معتقد است که در این شرایط احتمال طرح سؤال درباره هنجارها و ارزش های اجتماعی و «زندگی خوب» در عرصه اجتماعی از بین می رود و بنابر این رویکرد انتقادی با طرح این سؤالها که محور اصلی مباحث آن را تشکیل می دهد منجر به آزادی و رهایی افراد از عقاید نادرست و غلبه بر جور و ستم می شود. متفکران این رویکرد معتقدند که فلسفه باید در خدمت این مبارزه و جنبش اجتماعی قرار گیرد. به هرحال آنچه در این قسمت به بررسی و تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت نحوه شکل گیری، افکار، اقدامات و تأثیرات این نحله فکری بر اندیشه ها، نظامها و سایر مکاتب فکری هم عصرش همچون رویکرد روان شناسی ساخت گرا، نظام آموزش و پرورش و در نهایت نظام آموزش از راه دور در سومین نسل آن می باشد.

دوره سوم، دوره تکنولوژی متفکرانه می باشد^۱ که دارای خصوصیات زیر است:

۱. به رسمیت شناختن انواع دانش حاصل از منابع علمی سنتی و دانش حاصل از

تجربه ؛

۲. مبتنی بودن بر دانش نظری و دانش عملیاتی و مقدم دانستن دانش نظری بر

عملی ؛

۳. به کار گیری انواع دانش بر اساس یک دیدگاه ارزش شناسی مشخص؛

۴. متفکرانه بودن به معنای تعمق درباره تکنولوژی بعد دانش و ارزشها و)

محصولات آن (بعد طرحها و مواد) (فردانش، ۱۳۸۴). جدول ذیر نگاهی گذرا به ویژگیهای نسل سوم را ارائه نموده است.

نمودار ۳. ویژگیهای رویکرد انتقادی و پست مدرنیسم

به طور کلی انتقادها، توصیه ها و راهکارهای رویکرد انتقادی با حال و هوای آموزش از راه دور نسل سوم و گسترش وسیع ارتباط از طریق شبکه جهانی وب بسیار متناسب به نظر می رسد، چرا که این رویکرد با همه کم و کاستیهایش می تواند افراد و جوامع را در این دوره استفاده بی رویه و شتاب زده علاوه بر نکات مثبت به نکات منفی تکنولوژی خصوصا در زمینه آموزش هشیار سازد و به

^۱. reflective technology

اهداف و آرمان‌هایی که نظام آموزش باز و از راه دور به خاطر آن شکل گرفت و در نظریه‌ها و مبانی آموزش از راه دور بر آن تأکید شده، یعنی ایجاد امکان تحصیل برای همه هر جا و هر زمان با کمک امکانات ارتباط از راه دور و تکنولوژی و فناوری روز جامعه عمل‌پوشاند که البته این مهم طبق نظر طرفداران رویکرد انتقادی، روان‌شناسی ساخت‌گرا بدون توجه به این مهم که ارتباطات باید سالم و بدور از هر گونه جهت‌دهی و سوگیری و ارتباطه مبتنی بر استثمار باشد به دست نخواهد آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ملاحظه گردید، تحقیق حاضر به تبیین مبانی معرفت‌شناختی نظام آموزش از راه دور پرداخته است. نظام آموزش از راه دور در هر نسل خود از یک رویکرد معرفت‌شناختی غالب تبعیت می‌کند و هر کدام از این رویکردهای معرفت‌شناختی در نتیجه یک سری عوامل زمینه‌ساز ایجاد شده و نقش‌آفرینی کرده‌اند و در این راه در هر نسل یک مکتب روان‌شناسی نیز با آنها همراهی نموده و در کنار هم موجبات پدید آمدن نسل‌های مختلف نظام آموزش از راه دور را فراهم آورده‌اند (کاوشی پیرامون ...، بی‌نام، بی‌تا) که این رویکردهای معرفت‌شناختی ذیل سؤالات سه‌گانه تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند و منظور از نسل‌های سه‌گانه نظام آموزش از راه دور تقسیم‌بندی عمر تقریباً ۱۵۰ ساله این نظام به سه دوره یا سه نسل می‌باشد که معیار آن توفیق یک رویکرد معرفت‌شناسی و روان‌شناسی بارز و نیز تکنولوژی به کار رفته در سیستم نظام آموزش از راه دور آن دوره می‌باشد که در محدوده سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۵۰ رویکردهای اثبات‌گرایی و رفتاری و تکنولوژی ابزاری، دوره دوم ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ دوره رویکردهای تفسیری و شناخت‌گرا و تکنولوژی نظامها و دوره سوم دوره رویکردهای انتقادی و ساخت‌گرا و تکنولوژی متفکرانه معیار تقسیم‌بندی و مرزبندی نسلها را به وجود آوردند (فردانش، ۱۳۸۴). البته ذکر این نکته ضروری است که این مرزبندی به معنای عدم حضور رویکردها و یا ابزارهای نسل‌های قبیل در نسل جدید نیست بلکه به معنی مؤثرتر بودن و بارزتر بودن آن می‌باشد و در هر نسل ادامه‌ای از تأثیر نسل قبل را می‌توان مشاهده نمود. و اما در توضیح معرفت‌شناسی می‌توان گفت که به اصطلاح ساده معرفت‌شناسی فلسفه دانش و یا چگونگی رسیدن ما به دانش است مجال طرح سؤالاتی از قبیل سؤالات زیر را فراهم می‌آورد:

- چه ارتباطی بین یادگیرنده و آنچه دانسته می‌شود وجود دارد؟

- ما چگونه می‌فهمیم که فهمیده‌ایم؟ (از چه راهی از یادگیری خود مطلع می‌شویم) (کراس، ۲۰۰۵) از آنجا که این نظام آموزشی به طور وسیعی با اکتشاف و انتقال معرفت سر و کار دارد و از طرفی معرفت‌شناسی نیز بنیادهای معرفت را تعریف می‌کند، و در این حوزه سؤالات مهمی را مطرح می‌سازد که رابطه نزدیکی با روشهای تدریس و یادگیری دارند، لذا در اینجا سعی شده تا استلزامات دیدگاه‌های معرفت‌شناسی مؤثر در هر نسل و نحوه تأثیر گذاری آن مشخص گردد.

در این تحقیق، ابتدا به مرور اجمالی تاریخچه و مبانی نظری نظام آموزش از راه دور پرداختیم، چرا که برای شناسایی هر نظام آموزشی نیاز به شناخت عوامل زمینه‌ساز تاریخی و بنیانهای فکری و منابعی است که آن نظام از آنها تغذیه نموده است. در ادامه نسل‌های آموزش از راه دور را در غالب سه نسل توضیح داده‌ایم و سپس به بررسی هر یک از نسلها پرداخته‌ایم و اشاره داشتیم به اینکه در این زمینه به گردآوری پیشینه مطالعاتی و تحقیقات انجام شده نیز پرداخته شد. در اینجا به جمع بندی نتایج و یافته‌های تحقیق پرداخته و در مورد هر یک به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

۱- مبانی معرفت‌شناختی نسل اول نظام آموزش از راه دور.

با توجه به طبقه بندی سلز (۱۹۹۷) در مورد دوره‌ها و نسلهای تحول رشته تکنولوژی آموزشی (فردانش، ۱۳۸۴) و بررسی‌های انجام شده در (کاوشی پیرامون... بی‌نام، بی‌تا) می‌توان به این نتیجه رسید که رویکرد معرفت‌شناسی و روان‌شناسی مؤثر و همزمان با نسل اول نظام آموزش از راه دور رویکرد اثبات‌گرایی و رفتارگرایی می‌باشد. در مورد نسل اول نظام آموزش از راه دور باید گفت از آنجا که در ابتدای قرن بیستم (۱۹۵۰-۱۹۰۰)، رویکرد معرفت‌شناختی اثبات‌گرایی تقریباً بر روند شکل‌گیری کلیه رشته‌ها غالب بود، لذا در این رهگذر نیز کلیه نمایه‌های این نظام از این قاعده مستثنی نمانده‌اند (کاوشی پیرامون... بی‌نام، بی‌تا). تأثیرات رویکرد اثبات‌گرایی در نسل اول نظام آموزش از راه دور ومدرنیسم و نیز باورهای روان‌شناسی رفتارگرا را با برشمردن و تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها و آراء این رویکرد به روشنی می‌توان فهمید. ویژگی‌ها و باورهای معرفت‌شناختی اثبات‌گرایان را که در تحقق نسل اول نظام آموزش از راه دور مؤثر بوده‌اند می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

۱- دانش مستقل از ذهن فراگیر است و وظیفه معلم و نظام آموزشی انتقال دانش و

واقعیت است (معین، ۱۳۸۵).

۲- تمام نتیجه‌گیری‌ها در مورد واقعیت بر پایه ملاحظات تجربی استوار است که می‌توان به طور عمومی آن را متمایز ساخت (دید، شنید، لمس کرد، بو کشید و اندازه‌گیری کرد) (اسکالز، ۲۰۰۳).

۳- معرفت علمی عاری از ظنیات و حدسیات و سرشار از یقینیات و بدیهیات است و آرای مورد اختلاف متافیزیکی و تعلقات انفسی جایی در آن ندارند (زیبا کلام، ۱۳۸۴).

۴- تنها سرچشمه یقین ادراک حسی است (صمدی، ۱۳۴۱).

۵- شناخت در هر موضوعی تنها با مراجعه به علمای آن حیطة و تنها از طریق کار در شرایط کاملاً کنترل شده امکانپذیر است.

۶- ما می‌توانیم ماهیت واقعیت را بوسیله بررسی یافته‌های تجربی محققان و تفسیرهای آنان درک کنیم (اسکالز، ۲۰۰۳).

۷- آنچه در تحقیقات باید به دنبال آن رفت خصایص و ویژگیهای عینی و قابل اندازه‌گیری است.

۸- تلاش و توجه برای تعمیم یافته‌ها از سطح جامعه به عمق آن (معین، ۱۳۸۵).

۹- تلاش برای کشف روابط پایدار و قوانین از طریق ترکیب مناسب استدلال و مشاهده در هر مورد و توضیح حوادث جزئی از طریق بردن آن در قلب قوانین کلی (کجویان، ۱۳۰۶۹).

۱۰- افزار وار بودن دیدگاههای پژوهشگران به دلیل اعتقاد به علیتی افزار وار میان پدیده‌ها (نصر، ۱۳۸۴).

با توجه به آموزه‌های معرفت‌شناختی اثبات‌گرایی که شرح آن گذشت می‌توان به وضوح پی برد که این مکتب چه تأثیری در شکل‌گیری نسل اول نظام آموزش از راه دور یعنی نسل آموزش مکاتبه‌ای و بر نامه‌ای داشته‌اند.

به طور خلاصه باید گفت بررسیهای انجام شده در این تحقیق نشان‌دهنده آن است که آنچه که در شکل‌گیری نسل اول نظام آموزش از راه دور چه شکل مکاتبه‌ای و چه شکل آموزش برنامه‌ای آن مؤثر بوده مبانی معرفت‌شناختی رویکرد اثبات‌گرایی می‌باشد. چرا که مقارن بودن نسل اول با این رویکرد و تجزیه و تحلیل مبانی معرفت‌شناختی مؤثر این نسل از روند تأثیرپذیری منطقی آن خبر می‌دهد. سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۵۰ بر اساس بررسیهای انجام شده دوران توفیق عقاید مربوط

به عینیت‌گرایی، تجربه‌پذیری و توجه به محسوسات بوده است که همه اینها به تأثیر از باورهای معرفت‌شناختی اثبات‌گرایی بود که همه شناخت و یادگیری را منحصر به محسوسات و فرآورده‌ها و فرآیندهای قابل مشاهده و اندازه‌گیری کرده بود و این باور نقطه آغازی برای رفتارگرایان در ساخت و تدوین نظام آموزش مبتنی بر محرک - پاسخ، تقویت شرطی سازی و ... شد که این در کنار باورهای مشترکی همچون تأکید بر اهمیت آموزش و پرورش در مسائل اجتماعی، وجود امکان شناخت مطلق از طریق روش تجربی، توجه به جنبه‌ها و مراحل بر نامه‌ریزی صنعتی، برنامه‌ریزی عقلانی، عینیت‌گرایی، تأکید بر آموزش و پرورش عمومی، تلاش برای تکوین قوانین عام، تأکید بر تسلط فرهنگ فناوری، تأکید بر تسلط فرهنگی غالب در رویکرد مدرنیسم توانست برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی دوران خود نسل اول نظام آموزش از راه دور را پدید آورد.

۱- مبنای معرفت‌شناختی نسل دوم نظام آموزش از راه دور

طبق نظر سلز و (۱۹۹۷) و (۱۳۸)، نسل دوم نظام آموزش از راه دور همزمان با توفیق رویکرد تفسیری در حوزه‌های فکری مختلف بوده است. توجه به برخی ویژگی‌های مهم این رویکرد می‌تواند دلایل تأثیرات گسترده این رویکرد را آشکار سازد.

۱- در رویکرد تعبیری اعتقاد به اصالت انسان و ادراک آن می‌باشد.

۲- بر تحلیل‌های کیفی و بر محور تحلیل‌های زبانی تأکید دارد.

۳- هدف علم را درک و فهم می‌داند نه تبیین گرچه تبیین نیز می‌تواند در فرآیند تفسیر مفید واقع شود.

۴- رویکرد تعبیری هیچ‌گاه به صورت رویکرد غالب در رشته تکنولوژی آموزشی مطرح

نبوده است (کاوشی پیرامون ...، بی‌نام، بی‌تا).

با توجه به ویژگی‌هایی که ذکر شد در زمینه هرمنوتیک و تعلیم و تربیت باید گفت که هرمنوتیک از سال ۱۹۷۰ به بعد وارد دنیای تعلیم و تربیت شد. بخصوص با توجه به تحقیقات تربیتی، خیزش روش‌های کیفی نه فقط قلمرو اهداف تحقیق را گسترش داد، بلکه همچنین زمینه تحقیقات برای آزمون مجدد اصول و اهداف تحقیق اجتماعی را نیز فراهم آورده است.

دیدگاه هرمنوتیک با تکیه بر اصل اساسی فهم و بوسیله تمرکز عمیق روی مفروضات و معانی‌ای که در هستی روزمره ما وجود دارد، می‌تواند هم به عمل تعلیم و تربیت و هم به تحقیق

تربیتی کمک نماید. یک مربی هرمنوتیک محور می‌بایست در پی تفسیر معنای اعمال تربیتی و قواعد مربوط به تجربه و مشارکت در اعمال تربیتی باشد. این مربی همچنین به فهم و درک گروه‌های شاگردان و شیوه‌های زندگی آنها نیازمند است. مضافاً اینکه او باید به اهمیت فهم متقابل، همچون فهم و درک بین معلمان و شاگردان یا بین دانش‌آموزان دارای زمینه‌های مختلف پی ببرد. در زمینه رویکرد تعبیری و ارتباط آن با رشته تکنولوژی آموزشی نیز باید خاطر نشان کرد که گرچه این رویکرد هیچ‌گاه رویکردی مطرح در رشته تکنولوژی آموزشی نبوده اما ظهور آن و نکات معرفت‌شناختی مطروحه در آن، سوالات زیادی را در زمینه پدیده‌های غیر قابل مشاهده در زمینه مسائل تربیتی مطرح کرد که با تأثیر رویکرد اثبات‌گرایی در دوره پیشین و تأثیر آن بر رفتارگرایی مطرح نگشته بود. طرح این مسائل در دوره دوم عصر تکنولوژی آموزشی و آموزش از راه دور زمینه‌ای شد برای رشد روان‌شناسی شناخت‌گرا و به تبع تأثیرات این رویکرد روان‌شناسی در پیشبرد تکنولوژی آموزشی و نیز نظام آموزش از راه دور (فردانش، ۱۳۸۴).

بنابر این به طور کلی می‌توان گفت آنچه از تجزیه و تحلیل ویژگی‌های نسل دوم نظام آموزش از راه دور در بعد معرفت‌شناختی و مبانی معرفت‌شناختی رویکرد غالب طی سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به دست می‌آید وجود همخوانی و یک جریان تأثیرپذیری طبیعی می‌باشد. در این دوره این اعتقاد وجود داشت که روش‌هایی که برای آموزش استفاده می‌شود مانند تولید کالاهای مختلف باید مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی را به طور دقیق و منظم طی کنند و نظام آموزش از راه دور نیز همان طور که قبلاً اشاره شد یک نوع آموزش برنامه‌ریزی شده است که جریان ارتباطی مبتنی بر رسانه‌های فناورانه بین یاددهنده و یادگیرنده‌های آن برقرار است و در واقع باید گفت این نگاهی است که تحت تأثیر شرایط صنعتی و رویکرد معرفت‌شناختی فلسفه معاصر با نسل دوم نظام آموزش از راه دور شکل گرفت و تأثیر گذار شد.

۱- مبانی معرفت‌شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور

مشخصه اصلی نسل سوم آموزش از راه دور را نیز می‌توان استفاده گسترده از ICT نامید. این دوره دوره استفاده از تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان پایه و اساس ارتباط دو سویه به صورت همزمان و غیر همزمان می‌باشد. طبق بررسی (کاوشی پیرامون ...، بی‌نام، بی‌تا) در داخل کشور، طبقه‌بندی سلز (۱۹۹۷)، و تحقیقاتی که فینبرگ (۱۹۹۱)، بلاکر (۱۹۹۴)، مک ویلیام و یلور (۱۹۹۸)،

تور(۱۹۹۹)، ناتالی و سرواتکا (۲۰۰۲) و مک ایساک(۲۰۰۵) انجام داده اند و تجزیه و تحلیل مبانی معرفت شناختی نسل سوم نظام آموزش از راه دور و رویکرد مقارن با این دوره یعنی رویکرد انتقادی که در این تحقیق انجام شده، نسل سوم آموزش باز و از راه دور یعنی آموزش مجازی متأثر از رویکرد معرفت شناختی انتقادی می باشد. دریسکول(۲۰۰۰) و راگازا(۲۰۰۵) نیز در تحقیقات خود به تأثیر پذیری رویکرد روان شناسی ساخت گرا از مبانی معرفت شناختی رویکرد انتقادی و به نوبه خود تأثیر گذاری این رویکرد روان شناسی در نسل سوم نظام آموزش از راه دور به دلیل هم دوره بودن و توافقات عقیدتی اشاره نموده اند. تحقیقات نشان می دهد نظریه پردازان زیادی در آموزش و پرورش از این نظریه تأثیر پذیرفته و با توجه به هم خوانی مبانی معرفت شناختی بنیادی خود با مکتب روان شناسی ساخت گرای اغلب این رویکرد را در برنامه ریزی های خود مورد توجه قرار داده اند (فردانش، ۱۳۸۴). رویکرد انتقادی که نمونه بارز آن در عصر حاضر همان مکتب فرانکفورت می باشد پس از رویکرد تعبیری یا تفسیری سومین رویکرد بارز و تأثیر گذار در زمینه تعلیم و تربیت و نظام آموزش از راه دور است که در زمان حاضر در زمینه آموزش و پرورش حرفه های مهمی برای گفتن دارد. از جمله:

- ۱- نظریه انتقادی، فکر و تصور و استدلال خالص را به مبارزه می طلبد و با توجه به

فرهنگ و تاریخ توانایی تغییر خودش را نشان می دهد.

- ۲- نظریه انتقادی، تصویر فلسفه دکارتی در مورد موضوع عقلانی را که قادر به کنترل

جهان می باشد رد می کند.

- ۳- نظریه انتقادی، بیشتر بر جنبه های عملی علاوه بر جنبه های تئوریک تأکید می کند.

- ۴- نظریه انتقادی این موضوع را تصدیق می کند که یک درک هدفمند یا ادراک از راه

دور یک دانش مورد نیاز است.

- ۵- نظریه انتقادی، علوم اساسی انسانی، کارشناسان آموزش دیده علمی و انطباق با اصول

عقلانی را تجزیه و تحلیل می کند.

- ۶- هدف اصلی نظریه انتقادی بوجود آوردن موضوعاتی است که در فرهنگ بدیهی تلقی

می شوند.

- ۷- نظریه انتقادی اغلب ضد اصول عقلانی، اصول اداری و سرمایه داری (آنچه مردم را در

مضیقه قرار می دهد) است.

۸- تئوریهای انتقادی به دنبال آشکار کردن تناقضات، نابرابریهای اجتماعی و نفوذ می‌باشند (تا حدی که منفی باشند) هستند (رندل و ونسا، ۲۰۰۵).

با توجه به ویژگیهای ذکر شده می‌توان گفت این رویکرد در کنار رویکرد روان‌شناسی متأثر از خود (ساخت‌گرایی) وبا کمک ویژگیهای مشترکی همچون تأکید بر تأثیر شرایط و پیشینه بر فهم و کسب معرفت، شاگرد محوری و نگاه به معلم به عنوان تسهیل‌کننده یادگیری، توجه به تکنولوژی آموزشی به عنوان ابزاری رهایی‌بخش، تأکید بر برقراری دموکراسی، تأکید بر تربیت شهروند انتقادی، گفتگو محوری، توجه به فرهنگ‌های مختلف، توجه به تفاوت افراد، نسبی بودن حقیقت (فراهانی، ۱۳۸۳)، با رویکرد پست مدرنیسم توانست در پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی دوران خود زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده نسل سوم نظام آموزش از راه دور باشد.

به طور کلی انتقادات، توصیه‌ها و راهکارهای رویکرد انتقادی با حال و هوای آموزش از راه دور نسل سوم و گسترش وسیع ارتباط از طریق شبکه جهانی وب بسیار متناسب به نظر می‌رسد چرا که این رویکرد با همه کم و کاستی‌هایش می‌تواند افراد و جوامع را در این دوره استفاده‌ی بی‌رویه و شتاب‌زده علاوه بر نکات مثبت به نکات منفی تکنولوژی خصوصاً در زمینه آموزش هشیار سازد. در جدول زیر می‌توانید خلاصه‌ای از مباحث مطروحه را مشاهده می‌نمایید.

نمودار ۴-۴. ویژگی‌های رویکردهای شناختی نسل‌های آموزش از راه دور

استاد جدول را از نظر پیشنهاد پژوهشی

نظام آموزش از راه دور جای بحث و بررسی بسیاری دارد که در این خصوص پژوهشگران کشورمان می‌توانند در زمینه موضوعات زیر تحقیق نمایند:

۱- میزان بهره‌گیری کمی و کیفی (واقعی) نظام آموزشی کشور در سطوح مختلف از نظام آموزش از راه دور.

۲- بررسی و تجزیه و تحلیل نظریه‌ها، پیشنهادات و افکار متصان و دست‌اندرکاران مسائل آموزشی کشور در خصوص ابعاد مختلف نظام آموزش از راه دور

۳- ارائه نظریات و راهکارهایی برای بکارگیری بهینه و مناسب این نظام آموزشی در سیستم آموزشی کشور

- ۴- مقایسه بهره‌گیری نظام آموزش از راه دور کشورمان با سایر کشورهای پیشرفته در این زمینه.
- ۵- بررسی و تجزیه و تحلیل معایب و محاسن کاربرد نظام آموزش از راه دور در سیستم آموزشی کشور.
- ۶- بررسی مبانی مختلف فلسفی خاصه مبنای معرفت شناختی نظام آموزش از راه دور و مقایسه آن با مبانی فلسفه آموزشی کشور.
- ۷- بررسی و تجزیه و تحلیل علل و زمینه‌های اساسی پیدایش و پیشرفت نظام آموزش از راه دور به طور کلی و ارائه راهکارهایی برای کاربرد عوامل مثبت آن علل برای پیشرفت نظام آموزش از راه دور در ایران
- ۸- انجام پژوهش‌هایی در خصوص میزان آشنایی و بهره‌گیری از فناوریهای آموزشی بین فراگیران نظام آموزش سنتی و از راه دور.
- ۹- بررسی میزان رضایت فراگیران و معلمان و یا اساتید از وضعیت امکانات و فناوری‌های نوین آموزشی مراکز آموزشی مشغول به فعالیت

فهرست منابع

- ۱- احمدی، بابک (۱۳۷۷). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران نشر مرکز.
- ۲- الحسینی، سید حسن (۱۳۸۴). *مقدمه ای بر آموزش از راه دور*، تهران منادی تربیت.
- ۳- میری، محمد علی (۱۳۶۹). *تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش* (از متن فرانسه)، پاریس (فرانسه)، انتشارات مدرسه. ناشر سازمان بین المللی برای آموزش و پرورش و علوم و فرهنگ (یونسکو).
- ۴- بدری فر، منصور (۱۳۷۱). *مبانی نظری آموزش از راه دور*، مجموعه مقالات اولین سمینار تخصصی آموزش از راه دور، تهران دانشگاه پیام نور.
- ۵- حسینی، سید علی (۱۳۸۴). *جزوه منتشر نشده تاریخچه مختصر تکامل آموزش از راه دور*، تهران، مؤسسه آموزش از راه دور.

- ۶- حسن زاده، محمد (۱۳۸۱). **امکان سنجی آموزش از راه دور** از طریق اینترنت کتابداری و اطلاع‌رسانی در ایران [رساله دکتری] دانشگاه تربیت مدرس.
- ۷- زیبا کلام، سعید (۱۳۸۴). **معرفت‌شناسی اجتماعی، طرح و نقد مکتب ادینبورا**، تهران، انتشارات سمت.
- ۸- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۱). **فلسفه آموزش و پرورش**، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۹- صالح مقدم، مسعود؛ اسد زاده، فرشته؛ شاقلی، ریحانه (۱۳۸۵). **آموزش از راه دور**، تهران، همیاران جوان.
- ۱۰- صدری طباطبائی، محمد رضا (۱۳۸۰). **امکان سنجی کاربرد آموزش از راه دور برای مدیران کانونهای فرهنگی - هنری مساجد** [پایان نامه کارشناسی]. دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۱- عطاران، محمد (۱۳۸۳). **فناوری اطلاعات بستر اصلاحات در آموزش و پرورش**، تهران، مؤسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.
- ۱۲- فردانش، هاشم (۱۳۸۰). **مبانی نظری تکنولوژی آموزشی**، تهران انتشارات سمت.
- ۱۳- فولکیه، پل (۱۳۴۱). **خلاصه فلسفه، مترجم فضل الله صمدی**، تهران، انتشارات اقبال.
- ۱۴- فراهانی، ابوالفضل (۱۳۸۰). **"مقایسه عملکرد تحصیلی دانشجویان تربیت بدنی نظام آموزشی حضوری با راه دور و ارائه الگوی برنامه ریزی تربیت بدنی از راه دور"**، پایان نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۵- فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۸۳). **پست مدرن و تعلیم و تربیت**، تهران، ناشر آبیژ.
- ۱۶- کاردان، علیمحمد (۱۳۸۱). **سیر آرای تربیتی در غرب**، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۷- پیرامون دیدگاههای معرفت‌شناسی نسبت به راهبردهای یاددهی - یادگیری در نظام آموزش باز و از راه دور، مقاله در دست چاپ.
- ۱۸- کچویان، حسین (۱۳۶۹). **"نقش تحصیلگرایی در تکوین جامعه‌شناسی"** رساله تحصیلی: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۹- گال، مردیت؛ گال، جویس؛ بورگ، والتر (۱۳۸۴). **روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی (جلد اول)**، مترجمان احمد رضا نصر و دیگران، تهران، انتشارات سمت.
- ۲۰- محقق معین، محمدحسین (۱۳۸۵). **آگوست کنت، شبکه معین علمی، اقتباس از**

۲۱- مهریویا، عباس(۱۳۸۴). **یادگیری بازوآزراه دور**. تهران: انتشارات مؤسسه آموزش ازراه دور، ویرایش اول، چاپ اول.

۲۲- مهرین، مهرداد (۱۳۴۱). **مکتبهای فلسفی (فلسفه بزبان ساده)** تهران، ناشر کانون معرفت.

۲۳- نلر، جی. اف (۱۳۸۰). **آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش**، مترجم فریدون بازرگان، تهران، انتشارات سمت

.arzeshyaby.ir.

- Blacker, D. (1994), " Philosophy of technology and education: An invitation to inquiry", Philosophy of Education Society Yearbook, retrieved 30 May, 2006 from:

http://www.ed.uiuc.edu/EPS/PESyearbook/94_docs/BLACKER.HTM.

Davey, K. (1999, Winter), " Distance learning demystified", National Forum, 79 (1), 44-46.

- Driscoll, M. P. (2000), Psychology of learning for instruction, (2nd ed.). Needleham Heights, MA: Allyn and Bacon.

- Fainholc, Beatriz (2005), " Collaboration towards creating capacities through ICT, distance education programs: a search for epistemological coherence between their design and its practice", Universidad nacional de la plata – fundación CEDIPROE.

- Feenberg, A. (1991), " Critical theory of technology", New York and Oxford: Oxford University Press.

- Gunawardena, c.N. (2005), " DISTANCE EDUCATION ", University of New Mexico Marina Stock McIsaac Arizona State University.

- Krauss, S. E. (2005), " Research paradigms and meaning making: a primer ", The Qualitative Report Volume 10 Number .

- McWilliam, E., & Taylor, P. G. (1998, November), " Teacher im/material: Challenging the new pedagogies of instructional design", Educational Researcher, 27 (8), 29-34.

- Natale, R. D. I. (2002), " Ensuring quality from a distance", Community College Week, 14 (2), 4.

- Randall G. Nicholls & Vanessa Allen-Brown.(2005),"CRITICAL THEORY AND EDUCATIONAL TECHNOLOGY", University of Cincinnati.
- Rogoza, Christina.(2005)," Epistemic Metacognition - A Necessary Competency for the Online Learner",Nova Southeastern University.
- Ruhig Du Mont , Rosemary(2002)," Distance Learning: A Systems View An Assessment and Review of the Literature " Funded in part by a grant awarded by the Ohio Learning Network in cooperation with Research Center for Educational Technology Kent State University.
- Schulze, Salomé.(2003)," Views on the combination of quantitative and qualitative research approaches"University of South Africa Progress 2003 25(2):8-20
- Serwatka, J. A. (2002)," Improving student performance in distance learning courses", THE Journal, 29 (9), 46-51.
- Sherry, L. (1996)," Issues in Distance Learning", International Journal of Educational Telecommunications, 1 (4), 337-365.
- Thor, L. M. (1999)," Keeping up with the Joneses", Community College Week, 11 (22), 4.
- Krauss, S. E. (2005)," Research paradigms and meaning making: a primer ", The Qualitative Report Volume 10 Number .